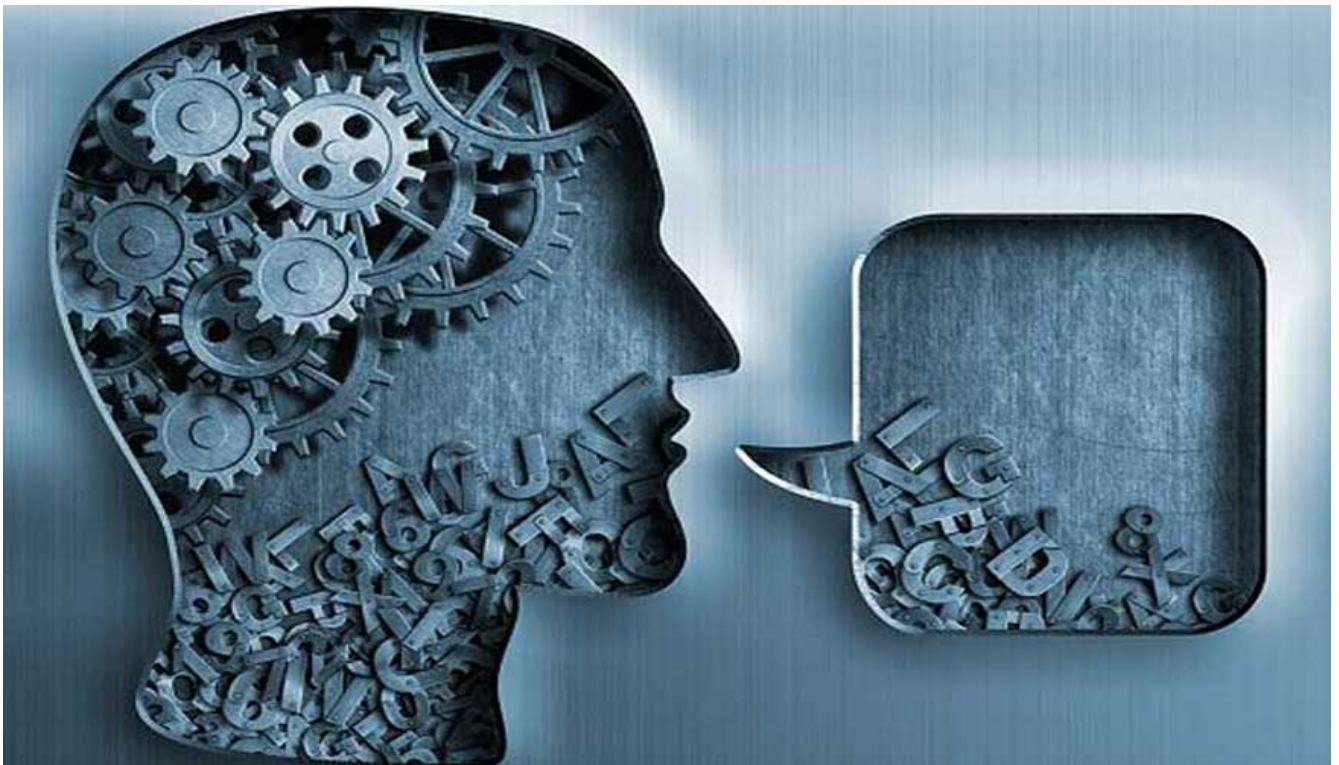


# زبان تحقیر در ادبیات سیاسی ما

مسعود نقره‌کار

قصاب خواندن ابراهیم رئیسی و اسدالله لاجوردی یا هر ستمگر و قاتلی، تحقیری توأم با اهانت به – صاحبان و کارکنان یکی از حرفه‌های مهم در جامعه است. صنف قصاب و سلاخ در زمره زحمتکشانی هستند که با کاری سخت، شرافتمندانه زندگی می‌کنند. کاربرد واژه عمله، حمال، دهاتی، کناس و... یا فاحشه سیاسی، کوتوله سیاسی و... با هدف تحقیر دیگری تحقیری دوسویه است، سویی صاحب یک شغل و ویژگی‌های جسمانی و روانی انسانی، و سویی دیگر انسانی که به او چنین نسبت‌هایی داده می‌شود، هدف تحقیر قرار می‌گیرد. این نوع مقایسه‌ها و نسبت و صفت دادن‌ها به ویژه در حوزه سیاست که زبان آن زبانی همگانی و عمومی (پابلیک) و رسمی است، بدآموز، زیانبار و غیرمسئولانه است.



واژگان تحقیر، توهین و ناسزا همسنگ نیستند و در جاهای مختلف بار معنایی متنوع و متعدد به خود می‌گیرند.

در این یادداشت کوتاه مکتب روی واژه تحقیر است و سخن بر سر واژه و مفهوم «توهین» نیست، که هر کس از نگاه و نظر و اندیشگی خود، و از گمان و ظن و باور خود سراغ آن می‌رود و مصادره به مطلوب می‌کند. سخن بر سر واژگان تحقیرکننده است و تا حدودی نیز ناسزاهایی که بار تحقیرآمیز نیز دارند و مخاطب فردی، گروهی، قومی و ملی را با هدف‌های روانی، فرهنگی و سیاسی نشانه می‌گیرند. این نوع واژگان در تمام یا دست‌کم در اکثر زبان‌ها، چه محاوره و چه نوشتار، وجود داشته و دارند. مجموعه این واژگان را شاید در عرصه «زبان تحقیر و خشونت» یا «زبان آرگو، عامیانه و عریان» بتوان مورد بحث و بررسی قرار داد که نه در حد دانش و سواد من است، و نه جایش در یک یادداشت کوتاه

من نوعی از زبان را که در زندگی‌ام در جنوب شهر تهران تجربه کرده و به خوبی می‌شناسم، در رمان «بچه‌های اعماق» در برخی از داستان‌های کوتاه و در پژوهش «زنگی‌های گود قدرت- نقش سیاسی و اجتماعی جاهل‌ها و لات‌ها در تاریخ معاصر» به کار گرفته‌ام، و یا درباره‌اش نوشته‌ام تا خاستگاه، ویژگی‌ها و پیامدها و دستاوردهای آن را در حد دانسته‌های تجربی نشان داده باشم

کاربرد این زبان در عرصه ادبیات و هنر و حتا گاه در عرصه سیاست عمری دیرینه دارد. این نوع زبان را زبان «دور از نزاکت و ادب، مستهجن، رکیک، پاخطی، دم‌گراژی، سخیف، کوچه‌بازاری، کوچه بیابونی، پارکی، رُک، عریان، شلخته و بی‌در و پیکر، بی‌پروا، گستاخ، هرزه‌نگارانه و...» خوانده و صفت‌ها و نسبت‌ها به آن داده‌اند، زبانی که در محله‌های فقیر و پرجمعیت به کار برده می‌شود و ملغمه‌ای از زبان آرگو، عامیانه، عریان، تحقیر، توهین و خشونت است. این نوع زبان را در ادبیات سیاسی ما «لومپنیسم زبانی» نیز خوانده‌اند. اگرچه پاره‌ای از واژگان این زبان می‌تواند در حوزه دشنام و ناسزا تعریف شوند اما به ندرت به قصد تحقیر مورد استفاده قرار گرفته است، واژگان این زبان درآمیخته با عصبانیت، استیصال، پرخاشگری و خشم به زبان خشونت نزدیک می‌شود.

بی‌تردید اینهمانی‌ها و همپوشانی‌هایی میان واژگان و مفاهیم تحقیر، توهین و ناسزا وجود دارد اما تفاوت‌های آنها را نیز باید دید، تفاوت‌هایی مشابه آنچه در واژگان و مفاهیم پرخاشگری، خشم و خشونت می‌توان دریافت که هرکدام معنا و تاثیرگذاری‌های خاص خود را دارند. در این میانه زخم زبان تحقیر دردناک‌تر و ماندگارتر است.

در نگاهی اخلاقی- سیاسی کاربُرد واژگان تحقیرکننده اسباب بدآموزی و زشت‌اخلاقی و مروج زبان ناهنجار است، و در رفتارشناسی اجتماعی از نگاه رفتارشناسان زنگ خطری برای فرهنگ جامعه دانسته شده است. گفته‌اند واژگان و زبان تحقیر اگرچه تاریخ مصرف معین و محدود دارد اما به زبان رسمی و غیررسمی آسیب می‌رساند، با این حال برخی بر این باورند که پاره‌ای ویژگی‌های این زبان با تغییر شرایط زندگی به سرعت دگرگون می‌شود.

در زبان و گفتار سیاسی در راه بیان نظر خود و رسیدن به هدف از واژگان تحقیرکننده نمی‌باید استفاده کرد، به ویژه در تحقیر کس و کسانی که در مناسبت‌ها و معادله‌های مبارزاتی حضور و نقش نداشته‌اند. در گفتگو و حتا جدل‌های سیاسی ضروریست پنجره تازه‌ای به روی فرهنگ و زبان سیاسی گشوده شود، زبان تحقیر و خشونت مابه‌ازای عملی مناسب و تاثیرگذار نخواهد داشت و مخرب است.

شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۰ برابر با ۰۷ اوت ۲۰۲۱

کیهان لندن